

تاریخ مفهومی؛ آشکارسازی نزاع‌های ایدئولوژیک و فهم معنای نوین از متن

دکتر سید محمد علی تقوی^{۲*}
دکتر مهدی نجف‌زاده^۴

محدثه جزائی^۱
دکتر سید حسین اطهری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۶

چکیده

«تاریخ مفهومی» نظریه و روشی به‌نسبت جدید است که متأثر از سنت فلسفه قاره‌ای و تاریخ‌گرایی نوین می‌باشد. این نظریه و روش با نقد تاریخ‌گرایی سنتی برای «مفهوم» جایگاه و نقش ویژه‌ای قائل بوده و بر آن است که با مطالعه، خلق، تحول و تطور مفاهیم می‌توان به بازنمایی منازعات ایدئولوژیک در یک ساختار سیاسی پرداخت. تاریخ مفهومی از آنجاکه به سرگذشت تاریخ می‌پردازد، تاریخی، و به این سبب که منازعات گفتمانی را میان نیروهای دخیل در رقابت‌های سیاسی آشکار می‌کند، به سیاست مرتبط می‌شود. در این نوشتار، تلاش می‌شود تا به جایگاه و نقش این نظریه در فلسفه قاره‌ای با تأکید بر آرای راینهارت کوزلک، نامدارترین پژوهشگر این حوزه پرداخته شود. کوزلک در پروژه فکری خود با عنوان تاریخ مفاهیم، به چیستی مفهوم، تمایز آن با کلمه و چگونگی تأثیرگذاری مفاهیم بر رخدادهای سیاسی پرداخته‌است. او بر این باور است بدون مفاهیم، جامعه و همچنین عرصه‌های سیاسی کنش، موجودیت نخواهند داشت و معتقد است هر مفهوم در نظام اندیشگانی دارای پاد-مفاهیمی است که با غلبه بر آنها می‌تواند واجد معنایی خاص باشد و حضور خود در عرصه مفهومی اندیشه سیاسی را تثبیت کند. براساس این ایده، جهان پُر است از جفت‌هایی که در جبهه مخالف هم قرار دارند و هر مفهومی با استناد و تعریف مفهوم مخالفش تعریف می‌شود. بر همین مبنا کوزلک پاد-مفاهیم را در مقابل مفاهیم قرار می‌دهد و از وجود میدان‌های معنایی سخن می‌گوید که می‌تواند تلاش نیروها و گروه‌های سیاسی برای غلبه گفتمانی خاص را توجیه و تبیین نماید. تاریخ مفهومی به عنوان روش نیز می‌کوشد تا به کشف معنای مفاهیم در پس لایه‌های انباشته‌شده در طی زمان نائل آید.

واژگان کلیدی: تاریخ مفهومی، مفهوم، پاد-مفهوم راینهارت کوزلک، تاریخ‌گرایی نوین.

۱. دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
۲ و ۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

* smataghavi@um.ac.ir

۱- مقدمه

مفهوم^۱، ابزار ساختِ اندیشه و معنا بخشی به جهان هستی است. مفاهیم در برساختن جامعه، کنش و کنشگر و همچنین نحوه رخ دادن تعامل میان آنها نقش محوری ایفا می‌کنند؛ از این رو شکل‌گیری، گسترش، نفوذ یا حذف مفاهیم اتفاق ساده‌ای نیست. اگر علوم انسانی به‌طور کلی و علم سیاست به‌گونه‌ای خاص در پی طرح پرسش‌های بنیادین و پاسخ‌گویی دقیق و علمی باشد، به ناگزیر باید به «مفهوم» و سرگذشت آن به عنوان مسأله‌ای محوری بپردازد. برای هر مفهوم معنا و کاربرد متعارف و پذیرفته‌شده‌ای وجود دارد که سبب می‌شود مفاهیم زمانمند، موقعیت‌مند، موقت، اتفاقی و مشروط بوده و براساس منطق تفاوت و جابجایی عمل کنند. بر همین اساس، همواره تعریف و بررسی تحول مفاهیم، یکی از دل‌مشغولی‌های اصلی پژوهش‌گران بوده‌است.

یکی از پیش‌فرض‌های اساسی زبان‌شناسی ساختاری و نو تاریخ‌گرایی این است که به همان ترتیبی که پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی به صورت مداوم در حال تغییر و تحول هستند، مفاهیم هم‌راستا با آنها نیز متحول می‌شوند. اما از آنجاکه تفسیر غالب و معنی یک مفهوم، به واسطه وجود ساختارهای محکم زبانی دیرتر و کُندتر از رخدادها و وقایع تغییر می‌کند، پس می‌توان با بررسی آنها نسبت به چگونگی وقوع و تأثیرگذاری معانی بر رخدادها آگاه شد. البته دنباله‌روی مفاهیم در پی تحولات سیاسی، اجتماعی و تاریخی به معنای این نیست که جهت تأثیرگذاری یک‌طرفه است و تحولات تنها بر مفاهیم و ساختارهای زبانی مؤثر است، بلکه افزون بر آن شاید بتوان مدعی شد در برهه‌هایی از تاریخ، این رابطه نه تنها به صورت متقابل تعریف‌شده بلکه اثرگذاری مفاهیم بر تحولات تاریخی نیز قابل توجه و تأمل بوده‌است. به‌عنوان مثال مفاهیمی همچون آزادی و برابری، به‌مثابه مفاهیمی که از دیرباز در تاریخ اندیشه سیاسی در بطن نظریه‌پردازی‌های سیاسی بوده‌اند، با توجه به بافتار پدیدآورنده آنها طبیعی است که در هر موقعیت مکانی و زمانی، واجد معانی متفاوتی باشند. اما به نظر می‌رسد این مفاهیم، معنای بارشده بر آنها و تفسیرهای ارائه‌شده از آنها توانسته‌است به بروز رخدادهای سیاسی و اجتماعی منجر شود. مثال کلاسیک در این باره، انقلاب کبیر فرانسه است که با ارائه معنای متفاوتی از آزادی از سوی انقلابیون، توانست به وقوع یک رخداد عظیم سیاسی منجر شود.

1. Concept

با توجه به برجستگی و اهمیت مفاهیم در اندیشه سیاسی می‌توان مجموعه‌ای از پرسش‌ها را مطرح کرد. پرسش‌هایی از قبیل: مفاهیم چگونه به وجود آمدند؟ چگونه معنی آنها تغییر کرد؟ چگونه به ایجاد یا انقراض ساختارها منجر شدند؟ چگونه بر تحولات سیاسی اثر گذاشته و می‌گذارند؟ چرا مفاهیم به عنوان واحدهای ارزشمند تجزیه و تحلیل ظاهر می‌شوند؟ و چگونه مفاهیم سیاسی با تداوم/ گسست ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط می‌شود؟ پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، می‌تواند گنه و جان‌مایه منازعات درونی در یک نظام سیاسی را آشکار سازد.

در این نوشتار پس از تعریف و بررسی چستی تاریخ، مفهوم و تاریخ مفهومی تلاش می‌شود تا به نظریه و روش تاریخ مفهومی به‌ویژه از دریچه آثار کوزلک پرداخته شود. بهره‌گیری از نظریه و روش تاریخ مفهومی می‌تواند تفسیری نوین از تحولات سیاسی و تاریخی به دست دهد که بر درک و دریافت کنونی از تاریخ و متون اثر بگذارد.

۲- تاریخ‌گرایی نوین؛ نقطه آغاز تاریخ مفهومی

تاریخ مفاهیم^(۱)، تاریخ مفهومی یا تاریخ مفهوم‌ها همگی ترجمه واژه آلمانی *Begriffsgeschichte* می‌باشد که در زبان انگلیسی به *conceptual history* و *history of concept* ترجمه شده‌است. تاریخ مفاهیم در ساده‌ترین برداشت، بررسی سرگذشت مفهوم‌ها و متشکل از دو جزء «تاریخ» و «مفهوم» تعریف شده‌است.

«تاریخ» از واژه یونانی *historia* گرفته شده‌است. در قرن چهاردهم این کلمه به معنای ارتباط وقایع و زنجیروار روایت کردن وقایع قلمداد شده‌است. شاید ریشه مشترک واژه تاریخ^۱ و داستان^۲ از این همین معنا گرفته شده‌است. در زبان انگلیسی برای مدت‌ها میان داستان و تاریخ تمایزی وجود نداشته‌است. اما در اواخر دوران میانه این کلمه به ضبط و گزارش وقایع گذشته اطلاق شده‌است و در معنای پژوهش، دانش، شرح نوشتاری پژوهش‌ها گزارش‌ها روایت و تاریخ رویدادها گرفته شده‌است (*Vide. Online etymology dictionary*). در زبان آلمانی تا قرن هیجدهم از همین واژه استفاده می‌شد، اما از سده هیجدهم واژه *Geschichte* جایگزین آن شد. اولین بار تمایز میان تاریخ و گیشیشته^۳ توسط

1. history
2. story
3. Geschichte

الهی‌دانان آلمانی مطرح شد. مارتین کالر برای نخستین بار میان مسیحیت، به عنوان یک موضوع تاریخی، و مسیح، به مثابه یک امر ایمانی تفاوت قائل شد. بعدها بارت و بولتمان، هرکدام از جهتی با تأکید بر اینکه تاریخ مسیحیت مربوط به مطالعه علمی و نقادانه گذشته است، بر این جداسازی صحنه گذاشتند (Ladd, 2004: 86). در این تمایزگذاری، گیشیشته بر به هم پیوستگی تاریخ، روایت، داستان و اسطوره دلالت دارد در حالی که «تحت تأثیر هر دو، تاریخ، پژوهش نظام‌مند و انتقادی رویدادهای گذشته دانسته شده است» (احمدی، ۱۳۹۶: ۴). تاریخ به طور کلی در دو معنا به کار رفته شده است: در معنای نخست تاریخ به روند حوادث و وقایع، یعنی آنچه عملاً اتفاق افتاده است، اشاره دارد و معنای دوم، تاریخ به نظرگاه‌ها، دیدگاه‌ها و اعتقادات بیان شده یا نوشته شده درباره حوادث و وقایع مذکور بازمی‌گردد. این دو معنا را می‌توان تحت عنوان «تاریخ به مثابه واقعه» و «تاریخ به مثابه ارزیابی» یاد کرد. (Stanford, 1998: 6).

مفهوم از ریشه kap به معنای فرا چنگ آوردن و فهمیدن است. با تحول در شکل این واژه -Con- و بعد از آن conciper به معنای بردار و آستن بودن و یا تصور کردن در زبان لاتین رایج گشت. Conceptum در لاتین به معنای خلاصه، چکیده، فشردن معنا در چیزی بعدها به concept تغییر شکل داد (Vide. Online etymology dictionary). مفهوم، از اجزای اصلی اندیشه و تفکر است. اهمیت مفهوم به اندازه‌ای است که فلسفه را هنر صورت‌بخشی و ساخت مفاهیم دانسته‌اند (دلوز و گتاری، ۱۳۹۳: ۱۱). مفهوم، عقیده‌ای کلی درباره چیزی است که معمولاً به صورت واژه‌ای تنها یا عبارتی کوتاه بیان می‌شود. مفهوم چیزی بیش از یک اسم خاص یا نام چیزی است. در حقیقت مجموعه‌ای از ایده‌ها درباره چیزی است و به دلیل اینکه قابل انطباق با مصادیقی هستند که با ایده کلی مطابقت داشته باشد، کلی^۱ به شمار می‌آیند (هیوود، ۱۳۸۷: ۴-۵). در حقیقت مفاهیم ابزارهایی هستند که توسط آنها تفکر، بحث، استدلال و تجزیه و تحلیل می‌کنیم. مشاهده صرف جهان خارج هیچ دانشی به ما نمی‌دهد، به عبارتی، برای درک جهان باید معنایی را بر آن بار کنیم و این کار را از طریق ساختن مفاهیم انجام می‌دهیم (همان‌جا).

از آنجاکه هیچ مفهومی بسیط نیست، تعریف آن نیز با دشواری‌هایی همراه است. برای تعریف «مفهوم» از دو جنبه ایجابی و سلبی می‌توان استفاده کرد. از جنبه ایجابی می‌توان

1. general

مفهوم را دارای اجزائی دانست که با یکدیگر دارای ارتباط هستند. اجزا درون یک مفهوم تفکیک‌ناپذیرند و هرکدام از آنها ممکن است خود، مفهوم باشند یا نباشند. نکته مهم آن است که هر مفهوم دارای تاریخی است و مفاهیم از هیچ پدید نمی‌آیند؛ بلکه همواره از درون مفاهیم دیگر زاده می‌شوند. علت این امر را می‌توان در انحصاری نبودن ارتباط مفاهیم با یکدیگر دانست. به عبارت دیگر اجزای یک مفهوم منحصر به آن مفهوم نیستند، منشعب می‌شوند و به سوی مفاهیم دیگر کشیده می‌شوند. بر همین مبنا می‌توان مدعی شد اغلب مفاهیم انتزاعی و مبهم هستند.

از جنبه سلبی، مفهوم، واژه^۱ نیست، اما از واژگان تشکیل شده‌است. واژه، کوچک‌ترین واحد جمله، فاقد جزء معنایی، بدون تاریخ و بدون ابهام است. از سوی دیگر مفهوم، سازه^۲ و یا گفتمان^۳ نیست، اما ممکن است به سازه یا گفتمان تبدیل شود. سازه را می‌توان مجموعه‌ای از مفاهیم تعریف کرد که از نظر انتزاع در جایگاهی بالاتر از مفهوم قرار می‌گیرد (شومیکر و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۲). گفتمان نیز مجموعه‌ای هم‌بسته از مفاهیم است که می‌تواند با مفصل‌بندی دال‌های گوناگون، بر آگاهی یک دوره تاریخی اثرگذار باشد. نکته مهم آن است که وقتی از مفهوم سخن می‌گوییم منظور قسمتی از یک گفتمان و سازه است که از واج و واژه و کلمه گسترده‌تر، عمیق‌تر و دارای بار مفهومی بیشتر است و درعین حال تنها به عنوان نطفه یک گفتمان یا سازه اندیشه‌ای می‌تواند در نظر گرفته شود.

با توجه به تعاریف تاریخ و مفهوم باید به این نکته توجه نمود که نگاه این نظریه به تاریخ فراتر از دیدگاه‌های سنتی می‌باشد. به عبارت دیگر، به تاریخ می‌توان از نظرگاه‌های متفاوتی نگریست و با توجه به گسترش نظریه‌های جدید می‌توان تعاریف‌های گوناگونی از آن ارائه داد. در این تعاریف متفاوت از یکدیگر، می‌بایست میان دو نوع تاریخ‌نگاری تمایز قائل شد. تاریخ به معنای سنتی و تاریخ‌گرایی نوین.

تاریخ‌گرایی نوین که در اوایل دهه ۱۹۸۰ به‌مثابه رهیافتی بدیل به تفسیر متن ظهور کرد، تصریح می‌کند که کل تاریخ واجد کیفیتی ذهنی است؛ زیرا تاریخ توسط افرادی نوشته شده‌است که جانبداری‌های ذهنی و شخصی‌شان در تفسیر آنها از تاریخ تأثیر گذاشته‌است. در تاریخ‌گرایی قدیمی تاریخ مکتوب تصویری دقیق از رخداد‌های واقعی است و چنین

1. word
2. construct
3. discourse

دیدگاهی مسلم می‌پندارد که مورخان قادرند راجع به هر دوره تاریخی بی‌طرفانه دست به نگارش بزنند و حقیقت مربوط به آن دوره را به‌طور قطع بیان کنند (برسler، ۱۳۸۹: ۲۴۳). یکی از مهم‌ترین گزاره‌های تاریخی سنتی اتخاذ موضع درست و واقعی در خصوص فاکت‌ها یا رخدادها درآمده است. نو تاریخ‌نگاران در مواجهه با پرسش درباره وثاقت متون تاریخی این گزاره را پیش می‌کشند که اساساً هیچ متنی بر متنی دیگر از منظر انطباق با واقعیت ارجحیت ندارد. همه متون پیچیده در ایدئولوژی‌های مسلط عصر خود هستند و بخشی از منازعات درون گفتمانی همان عصر را نمایندگی می‌کنند. از این منظر همه متون عصر قابلیت مطالعه و استخراج گزاره‌های تاریخی و سیاسی را دارند. متون تاریخی، ادبی، داستانی، سفرنامه‌ها، زندگینامه‌ها و غیره از آن جمله هستند. این متون همچون سایر متون دیگر عمیقاً زمان و مکان پرورده هستند (Wolf, 1993: 284-287) و می‌تواند برای کشف آشکارسازی لایه‌های پنهان معنا مورد استفاده قرار گیرند.

به طور خلاصه هسته اصلی تاریخ‌گرایی نوین، اعتقاد به تاریخ به‌مثابه امری غیرمنجمد، تمام‌نشده و غیریکسان برای افراد مختلف و مناقشه‌پذیر است. از نظر طرفداران این برداشت از تاریخ، هیچ تاریخی یگانه نیست. بلکه براساس گفتمانی که به طور ناخودآگاه در تبیین متن تأثیر می‌گذارد متفاوت می‌شود. تاریخ فرزند روایت است (رابرتز، ۱۳۸۹: ۱۹۷). تاریخ‌گرایی نوین بر این باور است که تاریخ را باید به شیوه‌ای تاریخ‌مند نگریست. تاریخ‌مندی متون بیانگر آن است که نوشتارها (آثار نوشتاری) در شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصی خلق می‌شوند، و از برخی جهات نیز توسط شرایط مذکور تعیین می‌گردند. در مقابل متن‌مندی تاریخ بیانگر آن است که تاریخ را تنها می‌توان به‌مثابه مجموعه‌ای از بازنمایی‌ها تلقی نمود که در معرض بازاندیشی، بازسرایبی و تفسیر و تأویل‌های بی‌شماری قرار دارند (نوذری، ۱۳۸۷: ۵۲۰). رویکرد تاریخ‌گرایی نو که از درون نظریه‌های پساساختارگرا برمی‌آید، نه مانند رویکرد سنتی مؤلف را بر صدر می‌نشانند و نه مثل رویکرد ساختارگرا متن را جدا از مؤلف می‌بیند؛ بلکه مؤلف و اثر هم برآیند فضای گفتمان فرهنگی و ایدئولوژیک دوره خود هستند و هم بخشی از فرایند آن گفتمان مسلط را شکل می‌دهند؛ یعنی مؤلف و اثر توأمان، پاره‌ای از گفتمان و درنهایت، پاره‌ای از تاریخ‌اند. از این نظرگاه است که می‌توان تاریخ مفهومی را در ذیل نو تاریخ‌گرایی بررسی کرد. تاریخ مفهومی نیز با نقد تاریخ سنتی و نگاه گاه‌شمارانه به تاریخ می‌کوشد تا با برجسته‌سازی نزاع‌های ایدئولوژیک به آشکارسازی معنای

مفاهیم یاری رساند. یکی از مزایای تاریخ مفهومی نسبت به تاریخ به معنای سنتی آن این است که تنها به دنبال ریشه‌یابی مفاهیم نیست بلکه خواندن متن به منظور جستجو و کشف گسست‌های تاریخی بیان‌نشده، یا مغفول واقع‌شده را تشویق می‌کند (palonen, 2013: 10). بر همین اساس مفهوم از درون تاریخ و به منظور آشکارسازی گفتمان فرهنگی و ایدئولوژیک و تحول آن به سبب نشان دادن عملکرد این گفتمان موردتوجه و بررسی قرار می‌گیرد.

تاریخ مفهومی در سنت آلمانی اندیشه، در ذیل عنوان فلسفه قاره‌ای^۱ به تاریخ به عنوان یک فرایند تفسیری از رخدادها، ساختارها و روندها جایی که فلسفه تاریخ می‌تواند به عنوان ابزار تفسیر به خدمت گرفته شود، نگاه می‌کند. این رویکرد فراتاریخی^۲ می‌کوشد تا علی‌رغم وجود ناهمسانی و بی‌نظمی‌ها در رویدادها، ساختارها و روندهای تاریخی الگویی را به نمایش گذارد که با استفاده از آن بتوان به تفسیر تاریخ پرداخت. اما تاریخ مفهومی تنها یکی از برداشتهای موجود در فلسفه قاره‌ای است.

در ذیل فلسفه قاره‌ای و رویکردهای تفسیرگرای، نظریه‌های هرمنوتیک و گفتمان جایگاه ویژه‌ای دارند. هرمنوتیک به عنوان دانش، هنر یا فن تفسیر (hodad, 1986: 215) به معنای تفسیرکردن، به زبان خود ترجمه کردن، روشن و قابل فهم کردن و شرح دادن است (Ross به نقل از مکاریک، ۱۳۸۸: ۴۶۱). هرمنوتیک که مهم‌ترین وظیفه خود را تأویل می‌داند، به دنبال از میان برداشتن فاصله تاریخی است. «وقتی تأویل‌کننده، متنی از عصر گذشته را تأویل می‌کند او این کار را با ذهنی خالی انجام نمی‌دهد یا زمان حال را مطلقاً ترک نمی‌گوید؛ او آن را با خودش حمل می‌کند و در مواجهه دیالکتیکی افق خودش را با افق اثر ادبی برای فهم آن استفاده می‌کند» (پالمر، ۱۳۹۰: ۲۷۷). از نظر هرمنوتیست‌ها تاریخ به معنای تفسیر اقدامات و شیوه‌های معنادار رفتار انسانی است. در این رویکرد هدف از مطالعه تاریخ کشف ارتباطات معنایی و تعامل نمادین اقدامات انسانی است. هرمنوتیک در جست‌وجوی معنا به دنبال کشف نیت و ذهنیات انسان‌ها و همچنین اقدامات و اعمال ارادی و ناخودآگاه آنان است و در همین تأکید بر نیت و ذهنیات کنشگران در کشف معنا است که از تاریخ مفهومی متمایز می‌شود. همچنین برداشت از زبان در نظریه‌ها هرمنوتیک بیشتر

1. Continental
2. meta-historical

پدیدارشناسانه است که مطابق با آن زبان ابزار ارتباط نیست بلکه تجلی‌گاه هستی است. برخلاف نظریه تاریخ مفهومی که معتقد است از دریچه تحول مفهومی می‌توان به کنه و واقعیت اجتماعی نزدیک شد، هرمنوتیک با اصالت بخشی به حقیقت معتقد است تأویل، هدف نهایی فهم است. بر همین مبنا آنچه اهمیت می‌یابد تجربه هرمنوتیکی و نه شناسایی مفهومی صرف به عنوان چیزی ایستا و تصویری بیرون از هر زمان و زمانه است (همان: ۲۶۸). اما آن چیزی که روش تاریخ مفهومی را از سایر روش‌های هرمنوتیک و تفسیری متمایز می‌کند پاسخگویی به این پرسش است که آیا تاریخ مفاهیم به دنبال معنای متن است. از آنجاکه معنای مفاهیم معمولاً بر مبنای زمان بعد از خودش نظم می‌یابد در روش تاریخ مفهومی تعیین‌کنندگی معنای گذشته بر معنای امروزین مفاهیم، بیشتر از کشف معنای آنها مورد توجه می‌باشد. به عبارت ساده، یک نگاه تاریخی و فرایندی به مقوله مفاهیم نه تنها معنای آنها بلکه چگونگی تغییر و تحول آنها را نیز نشان می‌دهد.

نظریه‌های تحلیل گفتمان^(۲) نیز در زمره نظریه‌هایی است که شباهت زیادی به تاریخ مفهومی دارد. رویکردهای نظری گفتمان از آنجاکه معتقد است «شیوه سخن گفتن ما درباره جهان هویت‌ها و روابط اجتماعی، آنها را به شکلی خنثی بازتاب نمی‌دهد بلکه نقشی فعال در ایجاد آنها و تغییرشان دارد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸)، به تاریخ مفهومی نزدیک می‌شود. هدف رویکردهای مختلف در نظریه‌های گفتمان، تجزیه و تحلیل مناسبات قدرت در جامعه و صورت‌بندی دیدگاه‌های هنجاری که از منظر آن بتوان این رابطه را نقد کرد، عنوان شده است (همان: ۱۹). به‌طور خلاصه گفتمان بر نقش ساختارها در شکل‌گیری مفاهیم و تبدیل نام‌ها به نشانه‌های معنایی تأکید می‌کند. هم گفتمان و هم تاریخ مفهومی درباره زبان بر شانه‌های زبان‌شناسی ساختارگرا ایستاده و در ارتباط با واقعیت اجتماعی متأثر از پسا ساختارگرایی می‌باشند. با این تفاوت که در نظریه گفتمان عامل تحول تاریخی را می‌توان از طریق حضور دال‌های شناور و تحول گفتمانی سنجید و از منظر تاریخ مفهومی این امر از دریچه تحول مفهومی و تأکید بر پادمفاهیم و تقابل‌های پیشازبان‌شناختی قابل‌درک و دریافت است. افزون بر این نظریه گفتمان به ساختارهای کلان چه در متن و چه در حاشیه تأکید می‌کند، در صورتی که تاریخ مفهومی در سطحی خرد و در قالب مفهوم به ساختارها نزدیک می‌شود. از دگرسو تاریخ مفهومی در یک رفت و برگشت نظری نه تنها

تأثیر ساختار بر نام‌ها و نشانه‌ها بلکه همچنین تأثیر مفاهیم شکل گرفته بر ابژه‌ها را نیز مطمح نظر قرار می‌دهد.

در جدول زیر می‌توان اشتراک و افتراق تاریخ مفهومی با هرمنوتیک و گفتمان را مشاهده نمود:

عامل تغییر و تحول تاریخی	رابطه با واقعیت اجتماعی	رابطه با زبان	واحد تحلیل	هدف تحلیل	
تجربه هرمنوتیکی	اصالت فهم تاریخی و حقیقت در برابر واقعیت اجتماعی	متأثر از پدیدارشناسی، برداشتی هستی‌شناسانه از زبان، زبان نحوه به ظهور رسیدن هستی	متن به معنای عام	فهم، کشف معنا	هرمنوتیک
دال‌های شناور	متأثر از پساساختارگرایی، از طریق زبان بازتاب می‌یابد.	متأثر از زبان‌شناسی ساختگرا، دل‌بخواهی و تصادفی بودن رابطه دال و مدلول	گزاره‌های معنایی در یک گفتمان	نقد مناسبات قدرت	گفتمان
تقابل‌های پیش‌زبان‌شناختی	متأثر از پساساختارگرایی، از طریق زبان و به‌ویژه تأکید بر تحول مفهومی بازتاب می‌یابد.	متأثر از زبان‌شناسی ساختگرا، دل‌بخواهی و تصادفی بودن رابطه دال و مدلول	مفهوم	کشف معنای مفهوم و کشف مناسبات قدرت از دریچه مفاهیم	تاریخ مفهومی

۳- تاریخ مفاهیم؛ نظریه‌ای برای آشکار ساختن نزاع‌های ایدئولوژیک

با در نظر گرفتن معنا و پیشینه «تاریخ» و «مفهوم»، تاریخ مفهومی، مطالعه و بررسی چگونگی تغییر و تحول مفاهیم سیاسی و اجتماعی در گذر زمان و در ارتباط با تحولات نهادی و ساختاری است. برخی از متفکران تاریخ مفاهیم را آلمانی‌شده تاریخ ایده^۱ و تاریخ روشنفکری^۲ دانسته و آن را گرایش جدیدی در میان رویکردهای تفسیری دانسته‌اند که می‌تواند به عنوان ابزاری خاص برای تئوری‌پردازی سیاسی به شمار رود (Palonen, 2008: 79). در حقیقت در این گرایش جدید هدف، فهم سیاست از طریق دنبال کردن تغییرات مفهومی است. این امر مبتنی بر این ایده است که مفاهیم نه تنها در طول زمان تغییر می‌پذیرند، بلکه نمی‌توانند چیزی جز یک‌رشته چشم‌اندازهای تغییرپذیر درباره جهانی که در آن به سر می‌بریم و هستی خود را از آن داریم، فراهم آورند (اسکینر، ۱۳۹۳: ۲۹۷). نظریه تاریخ مفاهیم در درون رویکردهای تفهومی و تفسیری قرار می‌گیرد و اگرچه ساخته و پرداخته شده و همگن نیست، اما می‌توان دو دسته نظریات را در آن مورد شناسایی قرارداد: نخست تاریخ مفاهیم؛ تمایز میان تئوری و عمل. در این نظریات، پرسش از رابطه مفهوم و عمل سیاسی است که می‌کوشد از راه پیگیری قلب و تحول مفهوم‌ها، تلاش برای گسترش، سرکوب و طرد ایدئولوژی‌ها را نشان دهد. در حقیقت در این نظریه‌ها، پیش‌فرض اصلی این است که مفاهیم به شیوه‌های مختلفی برای رسیدن به اهداف بازیگران سیاسی، آنها را یاری می‌کنند. کشف و استخراج نحوه استفاده بازیگران سیاسی و اجتماعی از مفاهیم، هدف اصلی این نظریات است. اتو برونر، یکی از نظریه‌پردازان اولیه تاریخ مفاهیم است که از این نظریه به عنوان یک ابزار، برای ایجاد پیوند تاریخ مدرن و پیش‌مدرن از یکدیگر و تأکید بر استمرار تاریخی استفاده کرده‌است. او در کتاب زمین و قدرت^۳ تمایز افراطی و قاطعی را که تاریخ‌نگاران میان قبل و بعد قرن نوزدهم ایجاد کرده بودند، مورد انتقاد قرارداد. وی با نظریه تاریخ مفاهیم به نقد لیبرالیسم پرداخته و معتقد بود اتفاقی که در قرن نوزدهم رخ داده‌است یک جابجایی میان نظم نوین لیبرالی به جای مناسبات پیشین است. در حقیقت پروژه او استفاده از تاریخ مفاهیم به عنوان ابزار نقد محافظه‌کارانه رادیکال از دولت قانونی^۴ است که به بورژوازی لیبرال انجامیده‌است

1. history of Idea
2. intellectual history
3. Land and Lordship
4. constitutional state/ rechtsstaat

(Melton, 1996: 22). علاوه بر برونر، فوکو و به‌ویژه تبارشناسی تاریخی او نیز می‌تواند در زمره این نظریات قرار بگیرد. تبارشناسی تاریخی فوکو تأکید بر روابط معرفت و پیدایش گفتمان‌ها در تلاقی قدرت و دانش است که در آن هدف از تعقیب خاستگاه، رسیدن به ماهیت چیزها یا جستجو برای یافتن شکل راکدی که در طول تاریخ پیش آمده نیست (هوی، ۱۳۸۰: ۶۶). علی‌رغم این مشابهت، تاریخ مفاهیم با تبارشناسی سراسر متفاوت است. در تبارشناسی بر پراکندگی و گسست تاریخی و بر ساختارها و نهادها تأکید می‌شود. فوکو در آثار خود با تأکید بر ساختارها و نهادهایی که در طی تاریخ توسط نهادهای مسلط (دولت) به حاشیه رفته‌اند، بر این پراکندگی قدرت و نقش این نهادها در ایجاد گفتمان‌های مسلط تأکید می‌ورزد. این در حالی است که تاریخ مفاهیم بیش از عمل سیاسی، نحوه تحول و دگرگونی مفاهیم که در نتیجه توجیه، گسترش یا سرکوب یک ایدئولوژی از سوی بازیگران سیاسی صورت پذیرفته‌است را مورد توجه قرار می‌دهد.

دوم، تاریخ مفاهیم؛ کشف معنای مفاهیم. در این دسته نظریات با تأکید بر درهم‌تنیدگی تاریخ و مفهوم، به این پرسش که چگونه باید مفاهیم را مطالعه کرد تا آنها را فهمید، پرداخته می‌شود. در این نظریات تمام ابعاد معنای یک مفهوم از طریق تحلیل همزمانی و تحلیل در زمانی در یک زمینه مشخص مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این میان می‌توان از نظریه پردازان بزرگی همچون کارل اشمیت، با بررسی مفهوم لویاتان در کتاب مقدس عبری (اشمیت، ۱۳۹۷: ۱۲۵)؛ جورج‌آگامبن با مفاهیم هوموساگر، امر مقدس، زیست‌سیاست و توپیکا^۱ (آگامبن، ۱۳۹۱: ۱۷۸-۱۸۲) و کوئینتین اسکینر بررسی مفهوم‌شناسانه مفاهیم آزادی و فضیلت^۲ (اسکینر، ۱۳۷۵: ۵) یاد کرد.

با این همه مهم‌ترین متفکر تاریخ مفاهیم که این نظریه با نام او گره‌خورده، راینهارت کوزلک است. کوزلک در پروژه فکری خود با عنوان تاریخ مفاهیم^۳ به چستی مفهوم، نقطه تمایز آن با کلمه و چگونگی تأثیرگذاری مفاهیم بر رخدادهای سیاسی پرداخته‌است. او بر این باور است بدون مفاهیم، جامعه و همچنین عرصه‌های سیاسی کنش، موجودیت نخواهند داشت (Koselleck, 1982: 410). البته او به دنبال فروگاهش امر سیاسی و امر اجتماعی به عرصه مفاهیم انتزاعی و مجرد نیست، بلکه او معتقد است «تاریخ مفاهیم افزون بر اطلاعات

1. topica

۲. virtue

3. conceptual history

زبان‌شناسانه و مجرد، می‌بایست بر داده‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی که معنا بخش این مفاهیم هستند، نیز متکی باشد» (Ibid: 414). نظریه‌ای که کوزلک آن را ساخته و پرداخته کرده و براساس روش آن به بررسی مفاهیم اساسی پرداخته‌است، نشان می‌دهد که او چگونه با پذیرش گفتمان‌های مختلف به برداشت خود جهتی داد که متأثر از تجارب شخصی، محدودیت‌های اجتماعی و البته عوامل سیاسی می‌باشد (Olsen, 2012: 3)؛ و همین مسأله او را از تاریخ‌نگاران صرف متمایز می‌سازد. کوزلک با نقد مطالعات صرف زبان‌شناسانه، تلاش‌های اغلب مورد مناقشه و بی‌نتیجه برای تعریف مفاهیم را گویای این نکته می‌داند که «معنای یک کلمه را می‌شود به طور دقیق با تعریف‌شده تعیین کرد، اما مفاهیم را تنها می‌توان تفسیر کرد» (Koselleck, 1972: 23). او معتقد است برای انجام پروژه‌هایی مبتنی بر تاریخ مفهومی دو مورد را باید در نظر گرفت. نخست اجتناب از در نظر گرفتن مفاهیم بدون بافتار و دیگری تاریخ‌نگاری سیاسی وقایع بدون در نظر گرفتن معنا (Koselleck, 1989: 309). از نظر او آن چیزی که یک کلمه را به مفهوم تبدیل می‌کند این است که بافتار سیاسی-اجتماعی که آن کلمه به آن اشاره دارد، از طریق همان کلمه، (که حالا مفهوم شده‌است) قابل درک و دریافت باشد. اگرچه کوزلک را هرگز نمی‌توان یک متفکر سیستماتیک یا قطعی در نظر گرفت؛ با این همه رویکرد نظری او منشاء روش‌های جدید تفکر درباره «تاریخ مفهوم‌ها» و «واقعیت» بوده است (Gilbert, 2019: 63).

رویکرد نظری کوزلک به تبعیت از نظام ساختارگرایی سوسوری قائل به دو نوع تحلیل هم‌زمانی و در زمانی است. سوسور بر این باور بود زبان (لانگو) را از دو طریق می‌توان بررسی کرد: هم‌زمان و در زمان. زبان‌شناسی هم‌زمان به بررسی زبان در یک دوره مشخص می‌پردازد در صورتی که موضوع زبان‌شناسی در زمان بررسی زبان در مدتی طولانی است (کنوبلاخ، ۱۳۹۱: ۳۰۰). این دو نوع تحلیل در زبان‌شناسی پس از سوسور نیز ادامه یافت. تحلیل در زمانی به بررسی خاستگاه و تحولات مفاهیم منفرد می‌پردازد. به نوعی تحول خطی یکی مفهوم، ورود، تحول و تثبیت معنایی آن را در نظر می‌گیرد. اما تحلیل هم‌زمانی، تحلیل بافتار یا به عبارت دیگر میدان‌های معنایی است که مفاهیم در آن پدیدار می‌شوند و با دیگر مفاهیم مرتبط می‌شوند و معنایی ویژه می‌یابند. کوزلک معتقد است تحلیلی که تنها بر یکی از دو مبتنی باشد، ناقص و بی‌مایه است (Andersen, 1997: 241). او به طور خاص معتقد است هر مفهوم در نظام اندیشگانی دارای پاد-مفاهیمی است که با غلبه بر آنها می‌تواند واجد معنایی خاص باشد و بتواند

حضور خود در عرصه مفهومی اندیشه سیاسی را تثبیت کند. این ایده کوزلک متأثر از ساختارگرایان و منطق تضادهای دوگانه^۱ است. در این منطق جهان پُر است از جفت‌هایی که در جنبه مخالف هم قرار دارند و هر مفهومی با استناد و تعریف مفهوم مخالفش تعریف می‌شود. بر همین مبنا کوزلک پاد-مفاهیم را در مقابل مفاهیم قرار داده و از وجود میدان‌های معنایی سخن می‌گوید که می‌تواند در معنای بارشده بر مفاهیم مدنظر قرار بگیرد.

علاوه بر مفهوم و پادمفهوم، کوزلک از گونه‌ای دیگر از مفاهیم، تحت عنوان مفاهیم متقارن و نامتقارن^۲ نام می‌برد. از نظر او مفهوم متقارن، مفهومی است که اگرچه «خود» در نام‌گذاری آن بر «دیگری» مؤثر است، اما «دیگری» آن را برای خود به رسمیت می‌شناسد. در هر صورت این نام از سوی هر دو طرف به رسمیت شناخته می‌شود. اما در مفاهیم نامتقارن معنای تحقیق‌آمیزی جاری می‌شود که «دیگری» آن را نمی‌تواند برای خود به رسمیت بشناسد. از نظر کوزلک در دنیای تاریخی اصطلاحات نامتقارن، نابرابر و متناقض بسیار زیادی به کار رفته‌است که او سه مدل از آنها؛ یعنی: تضاد بین «هلنی‌ها و بربرها»، «مسیحیان و بت‌پرستان» و «انسان یا غیرانسان»^۳ (Koselleck, 1995: 212) را مورد بررسی قرار داده‌است. کوزلک این تقابل‌های تاریخی را از سه جنبه ارتباط میان تاریخ و مفهوم، جنبه تاریخی و جنبه ساختاری پادمفاهیم بررسی کرده‌است. از نظر او هر دوگانه مفهوم- پادمفهوم یا متقارن- نامتقارنی، تجربیات و انتظارات خاص خود را دارد که از یک ساختار مشخص برخوردار است. از نظرگاه کوزلک، آن چیزی قابل تکرار است که در تاریخ ساختار معنایی باشد که در گُنه این تناقض‌ها وجود دارد. بر همین مبنا اگرچه کلمات در هر دوره زمانی می‌توانند تکرار شوند اما تنها در یک ساختار مبتنی بر تضاد است که می‌تواند بازتولید شود (Ibid: 216). به عقیده کوزلک وقتی از این ساختار معنایی پرسش می‌شود این امکان به وجود می‌آید که مفهوم از مبدأ منحصر به فرد خود و بافت انضمامی و عینی^۴ خود جدا شود و از لحاظ تاریخی قابل انتقال شود. این تغییر مجموعه‌ای از انتظارات و فضای جدید تجربه را به وجود می‌آورد که ممکن است معانی قدیمی را محو کند و یا غنا ببخشد.

1. Binary Opposition
2. Symmetrisch und Asymmetrisch
3. Mensch und unmensch / Übermensch und untermensch
4. Konkreten kontext

کوزلک با عنوان کردن پادمفاهیم نامتقارن^۱، آن را به معنای انتساب چیزها به افرادی می‌داند که متعلق به «گروه ما» نیستند و از طریق یک مفهوم دودویی^۲، به شدت یک طرفه و منحط است که آنها را به یک حوزه معنایی کاملاً منفی می‌راند. به باور کوزلک، در اینجا چیزی شبیه بناهای تاریخی رخ می‌دهد؛ همان اندازه آشکار و در عین حال ساکت (Koselleck, 2005: 126). نظام مفاهیم و تأکید بر این دوگانه‌ها اگرچه توسط کوزلک برای نخستین بار ارائه شدند؛ علی‌رغم استفاده در پژوهش‌های بسیار، تاکنون به‌ندرت توسعه یافته‌اند (Junge, 2011: 9).

کوزلک با در نظر گرفتن دو سطح تحلیل در زمانی؛ که به بررسی خاستگاه، تداوم و تحول مفاهیم منفرد می‌پردازد و سطح تحلیل هم‌زمانی؛ که تاریخ ساختاری روندها، با تأکید بر بساختن و جابه‌جایی میدان‌های معنایی را در دستور کار قرار می‌دهد، از سطحی پیش‌زبانی^۳ یا فرا تاریخی^۴ نیز یاد می‌کند. به اعتقاد کوزلک این سطح پیش‌زبان‌شناختی مقدم بر مفصل‌بندی تاریخی مفاهیم است و «هیچ اجتماع انسانی فعالی نیست که خود را به گونه‌ای زبان‌شناختی تعیین نبخشد. در واقع توانایی تسلط بر یک شیوه گفتاری خاص معین می‌کند یک فرد در عرصه اجتماع چه موقعیتی داشته باشد» (Koselleck, 1989: 652). او تحت تأثیر هایدگر از چندگونه تقابل پیش‌زبان‌شناختی یاد می‌کند که دوست/دشمن، بالا/پایین، قبل/بعد، درون/بیرون، تولد/مرگ مهم‌ترین آنهاست و می‌تواند بر میدان‌های معنایی اثرگذار باشد.

در این بررسی‌ها، مفاهیم کمتر به منزله گزاره‌هایی درباره جهان و بیشتر به منزله ابزارها و جنگ‌افزارهایی برای مشاجرات ایدئولوژیک تلقی می‌شود (اسکینر، ۱۳۹۳: ۲۹۹). از این چشم‌انداز، نظریه تاریخ مفاهیم، به پرکردن حفره‌های دلالت و هموار کردن گسست‌های میان‌زبانی به منظور تسهیل در گذر تاریخ و وحدت بخشیدن به زبان در بستر زمان گاه‌شمارانه نمی‌پردازد. بلکه هدف مهم آن آشکار ساختن مکانیسم‌های اصلی در اثرگذاری و تغییر مفاهیم به منظور توجیه و تبیین اندیشه غالب است. به باور کوزلک مفاهیم در فرایند تاریخی دچار تبدیل و تغییر می‌شوند. علت این تغییر را باید در وجود عناصر گوناگون همچون نام‌ها، نشانه‌ها، ارجاع‌ها به ابژه^۵ در مفاهیم دانست که هرگاه هر کدام از این عناصر در جهت متفاوتی تغییر کند؛ کل مفهوم تغییر می‌کند (Koselleck, 1972: 235).

1. Asymmetrisch Gegenbegrif
2. Binary
3. Prelinguistic
4. Metahistorical
5. Sache

۴- تاریخ مفاهیم؛ روشی برای فهم معنای تاریخ

تأکید بر معنا و اهمیت آن در رویکرد تفسیری، در برابر رویکرد پوزیتیویستی و رویکرد انتقادی قرار دارد. در رویکرد تفسیری، «فهم»^۱ مفهوم کلیدی است. رویکرد تفسیری در مطالعه سیاست مبنا را بر آن می‌گذارد که رفتار انسان‌ها را باید به‌گونه‌ای متفاوت از سایر موضوعات موردعلاقه درک کرد؛ زیرا آنان از هر عملی قصد و نیتی را دنبال می‌کنند، دستخوش احساسات و عواطف می‌شوند، با طرح و نقشه عمل می‌کنند و آن را در صورت لزوم تغییر می‌دهند و بر پایه تفسیری که از هنجارها و ارزش‌های جامعه دارند، عمل می‌کنند (امامی، ۱۳۹۰: ۴۳). در تفسیرگرایی بر «دگرگون‌شدگی فرهنگی معانی انسانی» (لیتل، ۱۳۸۸: ۱۳۱) تأکید می‌شود و بر همین اساس با روش‌های کیفی ملازمت دارد. از آنجاکه پژوهش‌های کیفی رسالت خود را در فهم معانی، مفاهیم، تعاریف، تمثیل‌ها، نمادها، و هر آنچه دنیای اجتماعی را می‌سازد، می‌بیند، زیست جهان انسان‌ها را تنها می‌توان بر پایه معانی‌ای که آنان در بین خود خلق کرده‌اند و مدام تفسیر و بازتفسیر می‌کنند و به اعمال و کردار خویش نسبت می‌دهند، درک کرد (امامی، ۱۳۹۰: ۴۶).

از آنجاکه واقعیت‌های اجتماعی در فرآیند تعامل‌های انسانی ساخته، بازسازی و به کار برده می‌شوند، برای کشف معنای مفاهیم که در گذار تاریخی خود دچار تغییر و دگرگونی شده‌اند و بخشی از معنای خود را در ازای دریافت معانی تازه در لایه‌های زمان از دست‌رفته، جا گذاشته‌اند، رهیافت‌های کیفی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. اگرچه گفته می‌شود تاریخ مفهومی را ابتدا هگل، در معنای موسعی استفاده کرده است؛ اما در معنای روشی می‌بایست آن را محدود به دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ در آلمان کرد (Meier, 1971: 807). روش تاریخ مفهومی روشی خاص و ویژه است که در بین روش‌های مرسوم چندان شناخته‌شده نیست. این روش که در بستر تاریخ‌گرایی جدید قرار دارد در ذیل جامعه‌شناسی تاریخی قرار می‌گیرد و کوزلک نیز در مقاله خود از آن ذیل عنوان تاریخ اجتماعی^۲ یاد می‌کند. به باور کوزلک تاریخ مفاهیم از منظر روش‌شناسانه یک حوزه مستقل تحقیق است که یک مفهوم و تغییراتش را در یک محتوای زبان‌شناسانه که در بستر تاریخی رخ داده‌است را بازتاب می‌دهد (Koselleck, 1979: 417). این روش در ابتدا از انتقال بی‌دقتانه مفاهیم از یک بافتار به بافتار دیگر آغاز شد و یک روش خاص برای نقد منابع بود؛ ریشه‌شناسی اصطلاحات مربوط به عناصر سیاسی و اجتماعی و به‌ویژه ارتباط مستقیمی

1. verstehen

2. Social history

است که میان ساختار با مفاهیم سیاسی و اجتماعی وجود دارد (Ibid: 414). به باور کوزلک، روش تاریخ مفهومی بر حوزه‌هایی از تاریخ فلسفی، واژه‌شناسی و فیلولوژی تاریخی، نشانه‌شناسی و به‌طور کلی رویکردهای تفسیری استوار است (Ibid: 409).

کوزلک در مقاله تاریخ اجتماعی چگونگی تبدیل «estates» به «state» را مورد توجه قرار داده‌است. او معتقد است تبدیل و تحول دولت را نمی‌توان صرفاً در چرخش واژگانی و در واقع ریشه‌شناسی آن مورد توجه قرارداد؛ بلکه مهم‌تر از آن تغییر و تحول در جامعه و رابطه این دو نهاد با یکدیگر در فرایند تاریخی بسیار مهم است (Ibid: 411). او با وقوف نسبت به مشکلات روش تاریخ مفهومی بر این باور است که «مفاهیم به خدمت گرفته‌شده کمک تعیین‌کننده‌ای در پاسخ به سؤالات تاریخ اجتماعی که فراتر از درک و فهم امروز ما است، ارائه می‌کند. به‌عنوان مثال برای فهم estates ناگزیر از توجه به مفاهیمی همچون طبقه و شهروندان هستیم یا وقتی از مفهوم «شهروند» صحبت می‌شود؛ بررسی تاریخ مفهومی آن نشان می‌دهد این شهروندان با آنچه در قانون مدنی پروس بعدها آمد متفاوت است. در این دوران مفهوم دولت در سایه‌ای از معانی سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی و یک ابهام غیرقابل‌رفع که از خود کلمه گرفته شده‌است پنهان است» (Ibid: 412). به عبارت بهتر از منظر روش‌شناسانه تاریخ مفهومی بر آن است تا منازعات سیاسی و اجتماعی گذشته را تفسیر کند، بگشاید و محدودیت‌های مفهومی امروز ما، از این لحاظ که درک متقابل زبان‌شناختی میان کاربران زبانی^۱ نقش تعیین‌کننده دارد، را مشخص کند. از آنجا که تاریخ مفاهیم بر ساختار یک مفهوم اشاره می‌کند و اینکه چگونه آن چیزی را که می‌دانیم، می‌دانیم؟ (Lauzière, 2010: 384)، در نتیجه نقش کسانی مهم می‌شود که از زبان و به عبارت دقیق‌تر مفهوم استفاده می‌کنند. از منظری روش‌گونه، تاریخ مفاهیم بر این نکته تأکید دارد که ما باید تاریخ و کاربردهای مفاهیم اساسی را بدانیم تا بتوانیم روابط سیاسی فرهنگی و اجتماعی را در گذشته و حال درک کنیم. از آنجا که مفاهیم، تشکیل‌دهنده مواضع سیاسی هستند، استفاده از مفاهیم خاص به جای دیگران به خودی خود سیاسی خواهد بود (Jordheim & Neumann, 2011: 153).

از نظر کوزلک تاریخ را تنها زمانی می‌توان نوشت که «یافته‌هایی که قبلاً مفهوم‌سازی شده‌اند، با توجه به درگیر شدن با یافته‌های واقعی مورد پرسش قرار بگیرند» (Koselleck, 1995: 214). به باور کوزلک یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های روش تاریخ مفهومی این است که تنها

1. Agents

بخشی از توالی‌های مفهومی و ساختارهای معنایی را می‌توان نشان داد. او درباره جفت‌های مفهومی در طی تاریخ معتقد است: «ساختار معنایی هلنی / بربر بارها و بارها در طی تاریخ تحت نام‌های دیگر ظاهر شده‌است و در دوگانه مسیحی / کافر بخش‌هایی از این تضاد و دوگانگی گنجانده شده‌است. اما آخرین دوگانه‌سازی مفهومی، انسان / غیرانسان، همه دقایق تناقض‌های قبلی را در بر گرفته‌است» (Ibid: 217). از نظر کوزلک دوگانه مفهومی «انسان / غیرانسان» آنچنان عام است که به نظر نمی‌رسد بتوان غیریتی را مستثنا کرد. او در این رابطه به دوگانه «آریایی / غیرآریایی» در دوران نازیسم اشاره می‌کند که چگونه یک نام، آریایی، که تا پیش از آن یک نام خنثی از لحاظ سیاسی به شمار می‌رفت در مرکز منازعه‌ها قرار گرفته و تبدیل به یک ایرانی‌سازی شد که هدفش از بین بردن غیرآریایی بود (Ibid: 257-258).

یکی از مهم‌ترین انتقادات به روش تاریخ مفهومی، گردآوری و توضیح مفهوم‌ها به صورت واژه‌شناسانه و فرهنگ‌لغتی است. کوزلک در این باره معتقد است حتی اگر روش تاریخ مفهومی به گونه فرهنگ‌لغت باشد از آنجا که به سمت حال هدایت می‌شود و به مفهوم‌سازی کمک می‌کند، باز هم به دنیای مدرن و پژوهش‌های جدید مرتبط است (Koselleck, 1972: 3). او همچنین در پاسخ به این سؤال که این مفاهیم چگونه به افزایش آگاهی زبانی منجر می‌شوند، می‌گوید: مفاهیم از طریق گسست در تجربیات گذشته می‌تواند به افزایش آگاهی‌های معاصر کمک کند و این خود از طریق شفاف‌سازی تاریخی به ابهام‌زدایی سیاسی منجر می‌شود (Ibid: 3).

در حقیقت ایده اصلی روش تاریخ مفهومی این است که مفاهیم، تجمعات تجربیات تاریخی هستند. حتی اگر مفهومی از نظر آوایی و واجی به یک شکل باقی بماند، می‌تواند نشان‌دهنده تجربه‌های متفاوت کاربران آن در دوران‌های متفاوت باشد و این همان چیزی است که تاریخ مفهومی را جذاب می‌کند (Jordheim & Neumann, 2011: 156). بر همین اساس یکی از وظایف اصلی تاریخ مفهومی تحلیل همگرایی، تغییر یا اختلاف در رابطه بین مفهوم و واقعیت‌هایی است که در طول تاریخ رخ داده‌است (Koselleck, 2003: 59). تاریخ مفهومی در درجه اول به طرح این پرسش می‌پردازد که این مفاهیم از «کجا»، «چه‌زمان»، «برای چه کسانی» و با «چه هدف» ارائه شده‌اند و «چگونه»؟ اگرچه بازیگران سیاسی اغلب می‌کوشند معنای خود را از مفاهیم مسلط سازند، اما این مسأله به ابهام در «مفهوم» و البته غنای آن

می‌افزاید (Jaeger & Knöbl & Schneider, 2015: 100). این مسأله سبب می‌شود تا بتوان به روش تاریخ مفهومی، به عنوان یک پروسه «در حال شدن» توجه نمود.

از آنجاکه امروزه، بیش از هر زمانی بر فرآیندی بودن واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی تأکید می‌شود (کالینگوود، ۱۳۹۵: ۳۹۴)، همان‌گونه که کوزلک نیز به آن باور دارد؛ در پی جویی و پیگیری معنای یک مفهوم چیزی به عنوان روند وجود دارد. دانستن این که یک مفهوم چه هست به معنای دانستن این است که آن مفهوم چه شده‌است. درک اینکه یک مفهوم چه هست نیز مستلزم درک این است که چگونه به آن تبدیل شده‌است. اینجاست که پای تاریخ و منابع تاریخی و در نتیجه تحلیل محتوای آن به میان می‌آید.

اهمیت مفهوم به عنوان واحد تحلیل در این پژوهش، روش زمینه‌زدایی را که مهم‌ترین ادعای روش‌شناسانه تئوری تاریخ مفاهیم کوزلک است، ضروری می‌سازد (palonen, 1997: 43). زمینه‌زدایی، روشی است که در هنگامه تبادل مفاهیم، افراد، باورها و فرهنگ‌ها از یک بستر زمانی-مکانی به بستری دیگر مورداستفاده قرار می‌گیرد. در حقیقت مفاهیم از جاکنده شده، برای ریشه‌گرفتن در مکان جدید نیازمند مکانیسمی هستند که می‌توان نام آن را بافتارزدایی یا زمینه‌زدایی گذاشت. به منظور اجرایی نمودن این روش، محقق می‌بایست نه تنها بر مفاهیم، بلکه بر افراد، زمینه و بافتار پذیرنده مفهوم نیز تأکید کنند. باین حال، باید نسبت به رفت‌وآمد در متن‌گرایی و زمین‌گرایی دقت لازم را به عمل آورد (Chun-chieh, 2013: 8) که پژوهش به تقلیل‌گرایی و یاگزینش‌گرایی متهم نشود. در حقیقت تاریخ، به‌مثابه «چسب و قیچی» (کالینگوود، ۱۳۹۰: ۱۵۴) مسأله‌ای است که به عنوان مهم‌ترین محدودیت این روش می‌توان به آن اشاره کرد. علی‌رغم اینکه کوزلک از روش زمینه‌زدایی نام برده اما به توضیح آن و نحوه استفاده از آن نپرداخته‌است. آن چیزی که روشن است، آن است «این مفهوم از ادبیات وام گرفته شده‌است و به منتزع ساختن مفهوم، از طریق جداسازی از محیط و ریشه‌شناسی اطلاق می‌شود» (Nimmer, 2011: 231). بر همین اساس، با استفاده از این روش، مفاهیم مدنظر جدا از بستر تاریخی، سیاسی و اجتماعی و منتزع‌شده از بافتار جدید خود و در حقیقت اتیمولوژی آنان موردبررسی قرار خواهد گرفت. روشن است که در بررسی ریشه‌شناسانه نمی‌توان به‌طور کامل بافتار را حذف نمود؛ اما تلاش می‌شود تا بر خود واژه به عنوان پدیده‌ای منفرد و یکه توجه شود. باید توجه نمود روش زمینه‌زدایی تنها به جداسازی یک مفهوم از کانتکس خود نمی‌پردازد؛ بلکه به «جایابی» آن مفهوم در بافتار جدید نیز توجه می‌کند. در این گام، جایگاه روشنفکران و

کسانی که مسئولیت حمل و البته آشناسازی و آشنازدایی مفاهیم را بر عهده‌دارند بسیار مهم است. چراکه او حامل انتقال یک مفهوم از یک بستر به بستر دیگری است. استراتژی تحلیلی کوزلک در پی‌گیری این دو پرسش، که روش تاریخی بر آن مبتنی است، متجلی می‌شود: نخست اینکه معنا چگونه در مفاهیم فشرده می‌شود و بدین سبب فضای لازم را برای امکان‌پذیر شدن جدال معنایی فراهم می‌سازد؟ و دیگر اینکه مفاهیم چگونه در ارتباط با پادمفاهیم ظاهر می‌شوند و بدین شکل میدان معنایی را به وجود می‌آورند.

برای پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌بایست با انتخاب مفاهیم معنادار و به عبارتی آستن که در طی زمان معانی زیادی در آنها فشرده شده‌است، به منازعات شکل‌گرفته پیرامون آنها پرداخت و توجه نمود که این جدال‌های گفتمانی و ایدئولوژیک چگونه به تغییر مفهوم منجر شده‌اند. سپس با بررسی پادمفاهیم که در نتیجه جدال‌های کلامی ظاهر شده‌اند به نحوه شکل‌گیری میدان‌های معنایی پرداخت. در این میدان‌های معنایی است که از میان معناهای متفاوتی که یک مفهوم می‌تواند داشته باشد، برخی از آنها معنادار تلقی شده و آن معنا برای آن مفهوم تثبیت می‌شوند. به نظر می‌رسد از طریق چنین بررسی می‌توان از دریچه بررسی تاریخ مفهومی، چشم‌اندازی دقیق، تاریخی و معتبر از تحولات سیاسی و اجتماعی به دست آورد.

۵- نتیجه‌گیری

تاریخ مفهومی در سنت فلسفه قاره‌ای و در بستر نو تاریخ‌گرایی می‌کوشد تاریخ را از نقطه‌نظر مفهوم موردتوجه قرار می‌دهد و بر آن است از دل کنکاش در یک مفهوم که در چنبره زنجیره‌ای از مفاهیم دیگر گرفتار است روایتی تازه از تاریخ ارائه کند. نظریه تاریخ مفهومی که در فرایند سنت آلمانی اندیشه در غرب ساخته و پرداخته شده‌است، بیش از هر اندیشمندی با نام کوزلک پیوند یافته‌است. کوزلک نه تنها به پردازش نظریه تاریخ مفهومی مبادرت ورزیده بلکه با طرح روشی موسوم به همین نام، به بررسی تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی از دریچه مفهوم نیز پرداخته‌است. کار سترگ کوزلک این است که نشان می‌دهد مفاهیم، و بررسی تحول آن از طریق کنکاش در لایه‌های زمانی و جاگیری آنها در میدان‌های معنایی خاص هر دوران، می‌تواند نظرگاهی برای بررسی دقیق‌تر رخدادهای سیاسی و اجتماعی باشد. در این رویکرد مبهم‌بودگی یک مفهوم، دلالت بر دال‌های متفاوتی است که تنها در بررسی جدال‌های معنایی پیرامون آن می‌توان به معنای قابل‌قبول در آن بافتار دست‌یافت. تاریخ مفهومی چه در قالب

نظریه و چه به‌مثابه روش، می‌تواند پرده از معانی خرد و مکنون در پس ساختارها و روایت‌های کلان بردارد و روایتی تازه از امور نادیده و مغفول در تاریخ ارائه کند و به عنوان رویکرد نظری بدیعی در خوانش متون ادبی، سیاسی و تاریخی مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت

- ۱- در این نوشتار، از میان برابرنهادهای موجود از واژه تاریخ مفهومی استفاده می‌شود و منظور از این واژه اسم خاص آن می‌باشد و نه صرفاً تاریخ یک مفهوم.
- ۲- منظور از نظریه‌های گفتمان (discourse theory)، رویکردهای نظری مبتنی بر منازعه، انتقادی و روان‌شناسی است.

منابع

- آگامبن، ج. ۱۳۹۱. *زیان و مرگ در باب جایگاه منفیت*، ترجمه پ. ایمانی. تهران: مرکز.
- احمدی، ب. ۱۳۹۶. *رساله تاریخ*، تهران: مرکز.
- اسکینر، ک. ۱۳۷۵. *ماکیاولی*، ترجمه ع. فولادوند. تهران: طرح نو.
- _____ . ۱۳۹۳. *بینش‌های علم سیاست*، ترجمه ف. مجیدی. ج ۱. تهران: جاوید.
- اشمیت، ک. ۱۳۹۷. *لویاتان در نظریه دولت تاماس هابز؛ معنا و شکست یک نماد سیاسی*، ترجمه ش. مقیمی‌زنجانی. تهران: پگاه روزگار نو.
- امامی، ک. ۱۳۹۰. *پژوهش در علوم سیاسی؛ رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- برسler، چ. ۱۳۸۶. *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقدی*، ترجمه م. عابدینی‌فرد، تهران: نیلوفر.
- پالمر، ر. ۱۳۹۰. *علم هرمنوتیک*، ترجمه س. حنایی‌کاشانی. تهران: هرمس.
- رابرتز، ج. ۱۳۸۹. *تاریخ و روایت*، ترجمه ج. فرزانه دهکردی. تهران: دانشگاه امام صادق.
- دلوز، ژ. و گتاری، ف. ۱۳۹۳. *فلسفه چیست*، ترجمه م. ر. آخوندزاده. تهران: نی.
- شومیکر، پ. و تنکارد، ج. و. و لاسورا، دل. ۱۳۸۸. *نظریه‌سازی در علوم اجتماعی*، ترجمه م. عبداللهی، تهران: جامعه‌شناسان.
- کالینگوود، ر. ج. ۱۳۹۵. *اصول تاریخ و نوشتارهای دیگر در فلسفه تاریخ*، ترجمه ع. سالاربهزادی. تهران: نی.
- کنوبلاخ، ه. ۱۳۹۱. *مبانی جامعه‌شناسی معرفت*، ترجمه ک. راسخ. تهران: نی.

- لیتل، د. ۱۳۸۸. *تبیین در علوم اجتماعی؛ درآمدی به فلسفه علم/اجتماع*، ترجمه ع. سروش. تهران: صراط.
- مکاریک، ا. ۱۳۸۸. *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه م. مهاجر و م. نبوی. تهران: آگه.
- نوذری، ح. ۱۳۸۷. *فلسفه تاریخ*، تهران: طرح نو.
- هوی، د. ک. ۱۳۸۰. *فوکو در بوته نقد*، ترجمه پ. یزدان‌جو، تهران: مرکز.
- هیوود، ا. ۱۳۸۷. *مفاهیم کلیدی در علم سیاست*، ترجمه ح. سعیدکلاهی و ع. کاردان. تهران: علمی و فرهنگی.
- یورگنسن، م. و فیلیپس، ل. ۱۳۸۹. *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه ه. جلیلی. تهران: نی.
- Andersen, N.Å. 1997. *Luhmann and Koselleck: Conceptual History and the Diagnostics of the Present*, A. la Cour et al. (eds.). Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Chun-chieh, H. 2013. "On decontextulization and recontextualization in East Asian cultural interactions: some methodological reflectionands". *journal of cultural interaction in East Asia*, Vol.4. National Taiwan University: 7-20.
- Gilbert, A. S. 2019. *The crisis paradigm*, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Hodad, T.F. 1986. *The concise oxford dictionary of English etymology*, Oxford: Oxford University Press.
- Jaeger, F. & Knöbl, W. & Schneider, U. 2015. *Handbuch Moderneforschung*, Springer-Verlag GmbH. Verlag J. B. Metzler: Deutschland.
- Jordheim, H. and Neumann, I. 2011. "Empire, imperialism and conceptual history". *Journal of International Relations and Development*, 14 (2): 153-185.
- junge, k. 2011. *Self-Concepts, Counter-Concepts, Asymmetrical Counter-Concepts: Some Aspects of a Multi-Faceted Agenda, Asymmetrical Concepts after Reinhart Koselleck Historical Semantics and beyond*, K. Postoutenko(eds.). Verlag: Bielefeld.
- Koselleck, R. 1972. *Einleitung in Brunner*, Conze and koselleck, geschichtliche Grundbegriffe, historische lexicon zur politisch-sozialen sprache in Deutschland. (1). stuyygart: Klett-Gotta.
- _____ . 1979. "Social History and Conceptual History". *International Journal of Politics, Culture, and Society*, Vol. 2(3): 408-425.
- _____ . 1982. "Begriffsgeschichte and social history". *economy and society*, Vol 11(4): 409- 427.
- _____ . 1989. "linguistic change and the history of events". *journal of modern history*, (61): 649-666.

- _____ . 1995. *Vergangene Zukunft Zur Semantik geschichtlicher Zeiten*, Frankfurt am Main: Suhrkamp.
- _____ . 2003. "Die Geschichte der Begriffe und Begriffe der Geschichte". in: *Carsten Dutt (Hg.), Herausforderungen der Begriffsgeschichte, Heidelberg, S. 3-16*. In diesem Band S. 56-76.
- _____ . 2005. "Conceptual history, memory, and identity: an interview with Reinhart Koselleck". *contributions*, 2 (1): 99 – 127.
- Ladd, G. E. 2004. *The New Testament and criticism*, Revised Edition Edited by D. A. Hagner & W. B. Eerdmans. Publishing Company Grand Rapids. Michigan.
- Lauzière, H. 2010. "The Construction of Salafiyya: reconsidering salafism from the perspective of conceptual history". *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 42(3): 369- 389.
- Meier, H. G. 1971. *Begriffsgeschichte. Historisches Wörterbuch der Philosophie*, Bd. I. Basel: Schwalbe.
- Melton, J. H . 1996. *Otto Brunner the ideological Origins of Begriffsgeschichte*, printed in the book of the meaning of historical terms and concepts, edited by H. Lehmann and M. Richter. German historical institute.
- Nimmer, I. 2011. "De-contextualization in the terrorism discourse: a social constructionist view". *ENDC proceedings*, Vol.14: 223- 240.
- Olsen, N. 2012. *History in the Plural: An Introduction to the Work of Reinhart Koselleck*, New York: Berghahn Books.
- Palonen, K. 1997. "An Application of Conceptual History to Itself". *From Method to Theory in Koselleck's Begriffsgeschichte. Finnish Yearbook for Political Thought*, vol. 1: 39–69.
- _____ . 2008. "History of Concepts as a Style of Political Theorizing". Quentin Skinner's and Rein-hart Koselleck's Subversion of Normative Political Theory European. *Journal of Political Theory*, (1): 91–106.
- _____ . 2013. "5 Questions on Intellectual History". In: *Politics and Conceptual History, Rhetoric and Temporal Perspectives*. F. Stjernfelt & M. H. Jeppesen and M. Thorup (eds.). Århus: Automatic Press. 127–133.
- Wolf, K. 1993. "Hayden whites critique of the writing of history". in *history and theory*. Vol. 32(3): 273-295.

Website:

Online etymology dictionary, <https://www.etymonline.com>

Stanford Encyclopedia of Philosophy, <https://plato.stanford.edu/entries/concepts/1998>